

شناسایی ابعاد فلسفی-اخلاقی الگوی زیست مؤمنانه در سبک زندگی اسلامی

۱. سیدمجتبی علوی: گروه کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. فاطمه سادات میردامادی*: گروه کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Fatemehsmirdamadi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد فلسفی-اخلاقی الگوی زیست مؤمنانه در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه خبرگان حوزه دین، اخلاق و فلسفه اسلامی است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی در شهر تهران گردآوری گردید. فرایند نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار NVivo استفاده شد و تحلیل سه‌مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل «باورهای هستی‌شناختی مؤمنانه»، «ارزش‌های اخلاقی زیست مؤمنانه» و «سبک زندگی عملی مؤمنانه» شد. هر مقوله شامل چند زیرمقوله کلیدی بود که دربردارنده مفاهیمی نظیر توحید، معناشناسی آفرینش، تقوا، عدالت، ایثار، مناسک دینی، روابط خانوادگی و تعاملات اجتماعی بودند. نتایج نشان داد که این ابعاد به‌صورت نظام‌مند با یکدیگر در تعامل‌اند و بنیان‌های معرفتی، ارزشی و رفتاری سبک زندگی اسلامی را شکل می‌دهند. یافته‌های پژوهش بر لزوم توجه هم‌زمان به ساحت‌های فلسفی، اخلاقی و عملی در تبیین سبک زندگی اسلامی تأکید دارد. این مدل می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی فرهنگی، تربیتی و رسانه‌ای در راستای ترویج زیست مؤمنانه مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: زیست مؤمنانه، سبک زندگی اسلامی، فلسفه اسلامی، اخلاق اسلامی، تحلیل مضمون، معرفت‌شناسی دینی

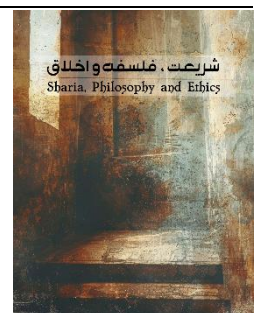
شیوه استناددهی: علوی، سیدمجتبی، و میردامادی، فاطمه سادات. (۱۴۰۳). شناسایی ابعاد فلسفی-اخلاقی الگوی زیست مؤمنانه در سبک زندگی اسلامی. شریعت، فلسفه و اخلاق، ۲(۳)، ۱-۹.

تاریخ ارسال: ۴ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۹ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۱ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۲ مهر ۱۴۰۳



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Identifying the Philosophical-Ethical Dimensions of the Faithful Living Model in Islamic Lifestyle

1. Seyed Mojtaba Alavi: Department of Islamic Theology, University of Qom, Qom, Iran
2. Fatemeh Sadat Mirdamadi*: Department of Islamic Theology, University of Qom, Qom, Iran

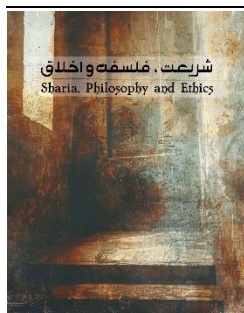
*Corresponding Author's Email: Fatemehsmirdamadi@gmail.com

Abstract

The present study aims to identify the philosophical-ethical dimensions of the faithful living model in the Islamic lifestyle from the perspective of experts in religion, ethics, and Islamic philosophy. This qualitative study employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 20 academic and religious scholars in Tehran. Participants were selected purposefully, and interviews continued until theoretical saturation was achieved. NVivo software was used for data management, and a three-stage coding process—open, axial, and selective—was conducted. The analysis yielded three main categories: "Ontological Beliefs of Faithful Living," "Moral Values of Faithful Life," and "Practical Dimensions of Faith-Based Lifestyle." Each category contained several subthemes including concepts such as monotheism, creation's purpose, piety, justice, altruism, religious rituals, family relations, and social conduct. Results revealed that these dimensions interact systemically, forming the epistemological, ethical, and behavioral foundations of the Islamic lifestyle. The findings emphasize the necessity of an integrated approach to the philosophical, ethical, and behavioral aspects in conceptualizing the Islamic lifestyle. The proposed model can serve as a conceptual framework for cultural, educational, and media planning aimed at promoting faithful living.

Keywords: *Faithful living, Islamic lifestyle, Islamic philosophy, Islamic ethics, thematic analysis, religious epistemology*

How to cite: Alavinassab, S. M., & Mirdamadi, F. S. (2024). Identifying the Philosophical-Ethical Dimensions of the Faithful Living Model in Islamic Lifestyle. *Sharia, Philosophy and Ethics*, 2(3), 1-9.



Submit Date: 25 July 2024

Revise Date: 30 August 2024

Accept Date: 22 September 2024

Publish Date: 3 October 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

در جهان امروز که با چالش‌های فراوان اخلاقی، معرفتی و معنایی مواجه است، بازگشت به بنیان‌های ارزشی و معنوی برای بازسازی هویت فردی و اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌شود. یکی از مهم‌ترین مفاهیم بنیادین در این زمینه، «زیست مؤمنانه» است که در بستر اندیشه اسلامی به مثابه یک سبک زندگی جامع و جهت‌دار با تأکید بر ابعاد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و اخلاقی تبیین می‌گردد. زیست مؤمنانه، نه تنها در سطح فردی منجر به تعالی معنوی و انسجام درونی انسان می‌شود، بلکه در سطح اجتماعی نیز بستری برای شکل‌گیری جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، فضیلت و کرامت انسانی فراهم می‌آورد (Nasr, 2006).

مفهوم زیست مؤمنانه در تعالیم اسلامی با عناصر کلیدی همچون توحید، تقوا، عدالت، اخلاص و عبودیت پیوندی وثیق دارد. قرآن کریم مکرراً بر «حیات طیب» تأکید دارد که از منظر بسیاری از مفسران، ناظر به سبک زندگی مؤمنانه‌ای است که در آن انسان نه تنها به نیازهای مادی بلکه به ابعاد روحی و اخلاقی حیات خویش نیز توجه دارد (Mutahhari, 1986). چنین نگاهی به زندگی، با پیش‌فرض‌هایی فلسفی در باب هستی، انسان، خدا و جهان آفرینش پیوند خورده است که در یک مدل منسجم زیست مؤمنانه قابل بازشناسی است.

از سوی دیگر، سبک زندگی اسلامی از دیرباز موضوع توجه متفکران اسلامی بوده و در حوزه‌های مختلفی چون اخلاق، فقه، عرفان و کلام اسلامی انعکاس یافته است. این سبک زندگی نه تنها در رفتارهای عبادی بلکه در روابط اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و حتی الگوهای تفریح و اوقات فراغت انسان مسلمان نیز نمود می‌یابد (Soroush, 2000). در این میان، آنچه اهمیت دارد، تبیین ابعاد فلسفی-اخلاقی این سبک زندگی است؛ زیرا این ابعاد به مثابه زیربناهای مفهومی و ارزشی، سایر جنبه‌های رفتاری سبک زندگی مؤمنانه را شکل می‌دهند و مشروعیت می‌بخشند (Kamali, 2010).

زیست مؤمنانه با دربرگرفتن مؤلفه‌هایی چون ایمان، عقلانیت دینی، تعهد اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و ارتباط دائمی با امر الهی، نوعی جهت‌گیری وجودی برای انسان ارائه می‌دهد که فراتر از رعایت ظاهری احکام شریعت است. از این رو، شناسایی و واکاوی ابعاد فلسفی و اخلاقی این الگو می‌تواند به غنای نظری و عملی سبک زندگی اسلامی کمک کند و چارچوبی کارآمد برای ترویج آن در عرصه‌های فردی و اجتماعی فراهم آورد (Al-Attas, 1990).

در میان اندیشه‌ورزان مسلمان، نوع نگاه به «زندگی مؤمنانه» با پیش‌فرض‌هایی هستی‌شناسانه گره خورده است که از جمله آن‌ها می‌توان به توحید به عنوان اساس درک جهان، نگاه هدفمند به خلقت، و پذیرش مسئولیت انسان در برابر خدا اشاره کرد. فلسفه اسلامی، به ویژه در مکتب ملاصدرا، با تلفیق عقل و نقل، تفسیری حکیمانه از رابطه انسان و خداوند ارائه داده که در آن، ایمان، معرفت و عمل هم‌پیوند دیده می‌شوند (Nasr, 2001). چنین نگاهی زمینه‌ساز شکل‌گیری مدلی مفهومی از زیست مؤمنانه است که در آن، ایمان نه فقط یک باور ذهنی، بلکه نحوه‌ای از بودن و زیستن تلقی می‌شود.

از حیث اخلاقی، زیست مؤمنانه با فضیلت‌گرایی اسلامی گره خورده است. اخلاق اسلامی برخلاف دیدگاه‌های وظیفه‌گرایانه یا پیامد‌گرایانه، بر رشد درونی انسان و تهذیب نفس تأکید دارد (Rahman, 1982). بر این اساس، مؤمن کسی است که در تمام ابعاد زندگی خود، از نیت تا عمل، پیرو معیارهای اخلاقی برگرفته از وحی و عقل سلیم باشد. صداقت، تواضع، ایثار، عدل، و حلم از جمله فضایل اخلاقی‌ای هستند که در متن زیست مؤمنانه قرار دارند و به آن معنا و جهت می‌دهند (Kamali, 2011).

همچنین، رابطه ایمان و عقل یکی دیگر از محورهای مهم در الگوی فلسفی-اخلاقی زیست مؤمنانه است. برخلاف برداشت‌های تقلیل‌گرایانه، عقل در آموزه‌های اسلامی نه تنها رد نمی‌شود بلکه به عنوان ابزار فهم دین و اخلاق شناخته می‌شود (Sorush, 1994). عقلانیت مؤمنانه، در عین پذیرش وحی، بر تأمل، تعقل و بررسی شواهد نیز تأکید دارد. در این چارچوب، مؤمن کسی است که با عقل و قلب خود، مسیر زندگی را با نگاهی توحیدی و اخلاقی سامان می‌دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، خلأیی در ادبیات پژوهشی در خصوص بازنمایی ابعاد فلسفی-اخلاقی الگوی زیست مؤمنانه احساس می‌شود. بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده، یا به ابعاد فقهی-عبادی سبک زندگی اسلامی پرداخته‌اند یا با نگاهی جامعه‌شناختی، بر مصادیق ظاهری سبک زندگی تمرکز کرده‌اند (Bagheri, 2011). در حالی که درک صحیح و عمیق از زیست مؤمنانه مستلزم فهم ریشه‌های فلسفی و اخلاقی آن است که زیربنای تبیین رفتار و مناسکی نیز به شمار می‌روند.

بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد فلسفی-اخلاقی زیست مؤمنانه در سبک زندگی اسلامی با استفاده از رویکرد کیفی و تحلیل مضمون است. این مطالعه تلاش دارد تا با استفاده از مصاحبه با متخصصان حوزه دین، اخلاق و فلسفه اسلامی، درکی ساخت‌یافته و مفهومی از این ابعاد ارائه دهد. تمرکز بر ادراکات تخصصی مشارکت‌کنندگان، فرصتی فراهم می‌سازد تا از دل داده‌های تجربی، مدلی برآمده از واقعیت اجتماعی-فرهنگی موجود در فضای فکری ایران معاصر استخراج گردد.

این پژوهش، علاوه بر غنای نظری، می‌تواند مبنایی برای طراحی الگوهای تربیتی، راهبردهای فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در راستای ترویج سبک زندگی اسلامی در عصر حاضر باشد. در جهانی که بحران معنا، گسست اخلاقی و تنهایی وجودی به چالش‌های اصلی بشر تبدیل شده‌اند، بازخوانی الگوی زیست مؤمنانه با نگاهی نو، می‌تواند راهکاری بومی، الهی و انسان‌محور برای پاسخ به این مسائل فراهم آورد (Halstead, 2007).

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به منظور شناسایی ابعاد فلسفی-اخلاقی الگوی زیست مؤمنانه در سبک زندگی اسلامی انجام گرفت. طراحی مطالعه از نوع اکتشافی-توصیفی بود و جامعه آماری پژوهش شامل صاحب‌نظران حوزه فلسفه اسلامی، اخلاق اسلامی و سبک زندگی اسلامی بود که به صورت هدفمند و با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند.

فرایند گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. برای طراحی سؤالات مصاحبه، مرور مبانی نظری و متون دینی معتبر در دستور کار قرار گرفت. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و انفرادی با ۲۰ نفر از اساتید دانشگاه و پژوهشگران مقیم تهران انجام شد. مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. ملاک اشباع نظری، تکرار مضامین کلیدی و عدم ظهور مفهوم جدید در مصاحبه‌های نهایی بود.

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی کدگذاری شد و مراحل تحلیل شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گردید. اعتبار داده‌ها از طریق بازبینی مجدد مضامین توسط شرکت‌کنندگان (بازخورد مشارکتی)، بررسی تطبیقی توسط دو تحلیلگر مستقل، و نیز روش بررسی توسط همکاران علمی تأیید شد. در نهایت، ابعاد و مؤلفه‌های فلسفی-اخلاقی الگوی زیست مؤمنانه با رویکرد استقرایی شناسایی و طبقه‌بندی گردید.

یافته‌ها

مقوله اول: باورهای هستی‌شناختی مؤمنانه

در زیرمقوله «توحید و خداشناسی»، مشارکت‌کنندگان بر حضور دائمی خداوند در همه ابعاد زندگی تأکید داشتند. آنان توحید را نه تنها یک عقیده، بلکه رویکردی برای زیستن تلقی کردند. مفاهیمی چون توکل، ذکر مداوم، و انکار شرک به عنوان عناصر کلیدی این نگرش برجسته شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «برای مؤمن، خدا همیشه هست؛ حتی در ساده‌ترین تصمیم‌های زندگی باید به او رجوع کرد».

در زیرمقوله «معناشناسی آفرینش»، اغلب مشارکت‌کنندگان بر هدفمندی آفرینش تأکید داشتند و خلقت را حاوی نظم و حکمتی دانستند که درک آن از طریق تأمل در طبیعت و آیات ممکن است. به گفته یکی از افراد: «هیچ چیز در این دنیا بی دلیل آفریده نشده، حتی رنج‌ها هم حکمتی دارند». در محور «رابطه انسان و خدا»، نوعی رابطه مبتنی بر عبودیت آگاهانه، صمیمیت عرفانی و پذیرش ربوبیت الهی دیده می‌شود. مصاحبه‌شوندگان رابطه خود را با خدا نه فقط به صورت تکلیفی بلکه عاشقانه و مبتنی بر اعتماد توصیف کردند. یک مشارکت‌کننده گفت: «دعا گفت‌وگو با خداست، نه فقط خواستن».

در «معرفت‌شناسی دینی»، مفاهیمی چون عقلانیت دینی، شهود قلبی و هدایت وحیانی تکرار می‌شدند. مشارکت‌کنندگان بر اهمیت عقل درک متون دینی تأکید داشتند اما آن را در کنار الهام درونی و علم نافع می‌دیدند. یکی از افراد گفت: «دین، عقل را تأیید می‌کند نه طرد. معرفت دینی ترکیبی از عقل و دل است».

در زیرمقوله «نگاه مؤمنانه به مرگ و آخرت»، مرگ نه پایان، بلکه مرحله‌ای برای گذار به زندگی دیگر توصیف شد. آمادگی برای مرگ، رجوع به معاد، و باور به حسابرسی اعمال، در میان پاسخ‌ها تکرار می‌شد. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «مؤمن کسی است که برای مرگ آماده است، نه اینکه از آن بترسد».

در زیرمقوله «شر و رنج در جهان»، مصاحبه‌شوندگان رنج را با نگاهی ایمانی تحلیل کرده و آن را فرصت رشد و امتحان الهی می‌دانستند. مفاهیمی مانند تصفیه نفس و ایمان در سختی‌ها بسیار تکرار شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: «سختی‌ها برای ما مانند آتش برای طلا هستند». در نهایت، در «اختیار و مسئولیت انسانی»، مفاهیمی چون آزادی معنوی، انتخاب آگاهانه، و پاسخگویی در برابر خداوند برجسته بودند. افراد معتقد بودند ایمان مؤمنانه با پذیرش مسئولیت فردی پیوند دارد. یک نفر گفت: «آزادی مؤمن در بندگی‌اش است. چون خودش انتخاب کرده که بنده خدا باشد».

مقوله دوم: ارزش‌های اخلاقی زیست مؤمنانه

در محور «تقوا و پرهیزگاری»، مشارکت‌کنندگان بر کنترل نفس و رعایت حدود الهی تأکید داشتند. تقوا به عنوان سبک زندگی معرفی شد نه صرفاً دستور دینی. فردی گفت: «تقوا یعنی اینکه حواست به خدا باشد، حتی وقتی تنها هستی».

در «صداقت و راستگویی»، مفاهیمی مانند شفافیت در نیت و وفای به عهد بارها در مصاحبه‌ها تکرار شدند. صداقت از نگاه آنان هسته اصلی ایمان اخلاقی بود. به گفته یک مشارکت‌کننده: «مؤمن اگر دروغ بگوید، دیگر مؤمن نیست».

در «عدالت و انصاف»، رعایت حق الناس، پرهیز از تبعیض و مساوات انسانی از مفاهیم پرتکرار بودند. عدالت به عنوان امری الهی و اخلاقی درک می‌شد. فردی اشاره کرد: «عدالت یعنی اینکه همه احساس کنند جای‌شان در زندگی هست».

در زیرمقوله «ایثار و نوع دوستی»، مشارکت کنندگان از همدلی و خدمت به خلق سخن گفتند. بسیاری از آن‌ها ایثار را نقطه تقاطع اخلاق و ایمان می‌دانستند. یکی از افراد گفت: «مؤمن واقعی کسی است که خودش گرسنه باشد ولی غذایش را ببخشد».

در «حلم و بردباری»، صبر در نزاع، گذشت از خطا و تحمل مخالف، به عنوان ویژگی‌های اخلاق مؤمنانه مطرح شد. به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان: «مؤمن باید ظرفیت شنیدن حرف سخت را داشته باشد بدون اینکه عصبی شود».

در محور «تواضع و فروتنی»، مفاهیمی چون عدم تکبر و پذیرش انتقاد بارها مطرح شدند. تواضع نه فقط به عنوان یک فضیلت فردی بلکه یک الزام دینی توصیف شد. مشارکت کننده‌ای گفت: «هرکس خودش را از دیگران بالاتر بداند، از خدا دورتر است».

در نهایت، در «مسئولیت‌پذیری اجتماعی»، مفاهیمی مانند مشارکت اجتماعی، احساس وظیفه دینی، و دغدغه اجتماعی مطرح بودند. پاسخ‌دهندگان ایمان را بی تفاوتی ناپذیر دانسته‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «اگر مؤمن باشی، درد مردم درد تو هم هست».

مقوله سوم: سبک زندگی عملی مؤمنانه

در زیرمقوله «مناسک و عبادات روزمره»، انجام عباداتی چون نماز اول وقت، روزه‌داری، قرائت قرآن، و دعا، مؤلفه‌های برجسته سبک زندگی مؤمنانه بودند. مشارکت کننده‌ای گفت: «بدون نماز، زندگی ام خالی می‌شود، انگار ارتباطم قطع شده».

در «روابط خانوادگی»، تربیت دینی فرزندان، احترام متقابل همسران و محبت در خانواده به عنوان هسته سبک زندگی مؤمنانه معرفی شد. فردی گفت: «اگر نتوانی در خانواده‌ات مؤمن باشی، جای دیگر هم نخواهی بود».

در زیرمقوله «سبک مصرف و اقتصاد»، مصرف حلال، قناعت، و پرهیز از اسراف به عنوان شاخصه‌های عملی ایمان معرفی شدند. مشارکت کننده‌ای اظهار داشت: «ساده‌زیستی یعنی سبک زندگی اهل ایمان، نه فقر تحمیلی».

در «تعاملات اجتماعی»، ادب، خوش خلقی، صلح و رحمت، و پرهیز از غیبت از مفاهیم کلیدی بودند. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «مؤمن در نگاه دیگران باید جلوه مهر و اخلاق باشد، نه ترس و تندی».

در محور «اوقات فراغت و تفریح»، انتخاب تفریحات حلال، نشاط معنوی و اعتدال در سرگرمی از سوی افراد تأکید شد. فردی بیان کرد: «حتی تفریح هم باید بویی از ایمان داشته باشد، سرگرمی‌ای که تو را از یاد خدا دور نکند».

در نهایت، در زیرمقوله «تربیت خود و خودسازی»، مفاهیمی چون محاسبه نفس، تهذیب اخلاق، نظم فردی و یاد خدا از ویژگی‌های برجسته بودند. مصاحبه‌شونده‌ای گفت: «هر شب باید از خودم بپرسم: امروز مؤمن تر شده‌ام یا نه؟»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که الگوی زیست مؤمنانه در سبک زندگی اسلامی، بر سه مقوله اصلی باورهای هستی‌شناختی، ارزش‌های اخلاقی، و رفتارهای سبک زندگی عملی استوار است. در تحلیل مضمون مصاحبه‌های انجام‌شده، مشخص شد که هر یک از این مقوله‌ها دارای ابعاد و مفاهیمی هستند که به طور نظام‌مند، در یک مؤمنانه از هستی، اخلاق و زندگی روزمره را شکل می‌دهند. مقوله باورهای هستی‌شناختی، شامل مفاهیمی چون توحید، معنانشناسی آفرینش، رابطه انسان و خدا، نگاه به مرگ و آخرت، و اختیار بود که همه در یک عمیق‌تری از جهان و جایگاه انسان در آن فراهم می‌کردند. این در حالی است که ارزش‌های اخلاقی همچون تقوا، صداقت، عدالت، ایثار، حلم و مسئولیت‌پذیری، شاکله رفتاری و روانی این الگو را تشکیل داده و در نهایت، نمود عینی آن در سبک زندگی عملی شامل مناسک، روابط خانوادگی، سبک مصرف و تعاملات اجتماعی تجلی می‌یافت.

این نتایج هم‌راستا با پژوهش‌هایی است که زیست مؤمنانه را به‌عنوان رویکردی تلفیقی از باور، اخلاق و رفتار تبیین کرده‌اند. برای مثال، Nasr (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که زیست دینی در اسلام یک ساختار جامع است که نه تنها به مناسک و عبادات می‌پردازد بلکه بنیادهای فلسفی و هستی‌شناختی خاصی برای درک جهان و رفتار انسان ارائه می‌دهد. این یافته با بخش «باورهای هستی‌شناختی مؤمنانه» در پژوهش حاضر هماهنگ است، به‌ویژه در نگاه هدفمند به آفرینش و درک رابطه توحیدی میان انسان و خدا. همچنین در آثار Rahman (۱۹۸۲) نیز تأکید شده که ایمان دینی تنها در چارچوب اعتقادی معنا نمی‌یابد، بلکه نیازمند تحقق عملی در اخلاق و مناسبات روزمره است.

ابعاد اخلاقی استخراج‌شده از یافته‌ها، از جمله تقوا، صداقت، عدالت و تواضع، مؤید نگاه فضیلت‌گرایانه در اخلاق اسلامی است که پیش‌تر نیز توسط Kamali (۲۰۱۱) مورد بحث قرار گرفته است. وی در آثار خود تصریح می‌کند که اخلاق اسلامی مبتنی بر رشد و ترکیه درونی انسان است و مؤمن کسی است که در تعاملات اجتماعی، وفادار به اصول اخلاقی برگرفته از وحی باقی بماند. نتایج حاضر نیز نشان داد که مشارکت‌کنندگان تقوا را به‌عنوان نوعی «خودآگاهی معنوی دائمی» می‌فهمند که همه رفتارهای آن‌ها را هدایت می‌کند. این امر با نگاه اخلاق‌محور متفکرانی مانند Al-Attas (۱۹۹۰) نیز همسوست که اخلاق را ریشه در معرفت دینی و هستی‌شناسی توحیدی می‌دانند.

در زمینه سبک زندگی عملی، یافته‌ها نشان دادند که عبادات روزمره، روابط خانوادگی و نحوه مصرف و تفریح افراد، تابع نظام ارزشی‌ای هستند که از باورهای فلسفی-دینی تغذیه می‌شود. در واقع، کنش‌های ظاهری زندگی مؤمنانه، بازتابی از نظام درونی باورها و ارزش‌ها هستند. Soroush (۲۰۰۰) در این باره می‌نویسد که سبک زندگی مؤمنانه، شکلی از بودن در جهان است که میان عقلانیت، ایمان و اخلاق، تعادل ایجاد می‌کند و نمود آن در رفتارهای روزمره پدیدار می‌شود. این پژوهش نیز با تحلیل داده‌ها، چنین پیوندی را تأیید می‌کند؛ به‌گونه‌ای که مشارکت‌کنندگان از نماز، معاشرت خانوادگی، نوع دوستی، و حتی تفریحات خود، به‌عنوان عرصه‌هایی برای تجلی ایمان سخن گفتند.

یکی دیگر از یافته‌های قابل توجه، رابطه میان اختیار و مسئولیت در نگاه مؤمنانه بود. افراد مورد مطالعه، داشتن اختیار را امری الهی می‌دانستند که با مسئولیت‌پذیری اخلاقی همراه است. این نکته در آثار Mutahhari (۱۹۸۶) نیز دیده می‌شود که معتقد است انسان در اندیشه اسلامی، موجودی مسئول است که در قبال اعمال خود پاسخگوست و این مسئولیت در جهان‌بینی توحیدی معنا می‌یابد. به‌ویژه در زیرمقوله‌هایی مانند «مسئولیت اجتماعی»، مفاهیمی چون مشارکت در حل مسائل جامعه و دغدغه مشکلات مردم بارها از سوی مشارکت‌کنندگان تکرار شد که نشان‌دهنده پیوند عمیق ایمان و کنش اجتماعی است.

نگاه به مرگ و آخرت نیز از دیگر یافته‌های شاخص این پژوهش بود. برخلاف بسیاری از رویکردهای مدرن که مرگ را انقطاع و ترسناک می‌پندارند، در دیدگاه مؤمنانه، مرگ یک گذار آگاهانه و طبیعی به مرحله‌ای دیگر از زندگی در نظر گرفته شد. این دیدگاه با یافته‌های Halstead (۲۰۰۷) همخوان است که بیان می‌کند در فرهنگ اسلامی، آمادگی برای مرگ و امید به آخرت، بخشی از ساختار روانی و معنوی سبک زندگی است و در تربیت اخلاقی نیز نقش دارد.

در مجموع، می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر ضمن ارائه مدلی سه‌بعدی از زیست مؤمنانه، پیوندی معنادار و نظام‌مند میان تفکر فلسفی اسلامی، اخلاق دینی و سبک زندگی عملی ترسیم می‌کند که در منابع اسلامی و پژوهش‌های پیشین نیز ریشه دارد. این الگو نه تنها به تبیین بهتر سبک زندگی اسلامی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز طراحی مداخلات تربیتی و فرهنگی برای تقویت هویت دینی در جامعه معاصر می‌گردد.

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- Al-Attas, S. M. N. (1990). The Concept of Education in Islam: A Framework for an Islamic Philosophy of Education. Kuala Lumpur: ISTAC.
- Bagheri, K. (2011). Islamic education: A conceptual framework. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Halstead, J. M. (2007). Islamic values: A distinctive framework for moral education? Journal of Moral Education, 36(3), 283–296.
- Kamali, M. H. (2010). The Middle Path of Moderation in Islam: The Qur'anic Principle of Wasatiyyah. Oxford: Oxford University Press.
- Kamali, M. H. (2011). Ethics and Fiqh for Everyday Life: An Islamic Perspective. Cambridge: Islamic Texts Society.
- Mutahhari, M. (1986). The Human Being and Faith. Qom: Sadra Publications.
- Nasr, S. H. (2001). Islamic Life and Thought. Chicago: ABC International Group.
- Nasr, S. H. (2006). The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity. New York: HarperOne.
- Rahman, F. (1982). Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition. Chicago: University of Chicago Press.
- Soroush, A. (1994). The Theoretical Contraction and Expansion of Religious Knowledge. Tehran: Serat Publishing.
- Soroush, A. (2000). Straight Paths: Essays on Human Understanding of Religion. Tehran: Serat Publishing.